

آزاده اردبیلی:

سلاح شیمیایی حربه نهایی دشمن بود؛ باکری گفت هر کس نمی‌تواند برگردد

بازماندگان عملیات خیبر می‌گویند این واقعه که در طول مدت زمان ۲۰ روزه آن، ۳۰ هزار سرباز ایرانی کشته شدند همچنان ناگفته‌های دردناکی دارد.
#۴۷

به گزارش سایت خبری پرسون از اردبیل، سال ۱۳۶۲ یکی از سال‌های تلخ مردم ایران است. هزاران جوان عازم جنگی نابرابر می‌شوند تا از تهاجمی که به آن‌ها تحمیل شده دفاع کنند. نه علاقه مند به جنگ هستند و نه جنگ طلب. دشمن جفت پایش را در یک کفش کرده و حالا که به تازگی انقلابی در کشور سپری شده و همه چیز در نوسان است، به خاک کشور دست درازی می‌کند.

صدام حسین قسم خورده است تا نفرت خود از ایرانی را در این جنگ پیاده کند. آتش جنگی نابرابر در شرایطی که ایران آماده نیست آغاز می‌شود و جبهه‌ها پر شده است از نوجوانان و جوانانی که راحتی خانه و خانواده را ترک گفته‌اند تا دیوانه‌ای را بر جایش بنشانند.

سال ۶۲ بعد از تحمل چندین سال مواجه نخستین عملیات استراتژیک تهاجمی نیروهای ایرانی در طول جنگ ایران و عراق با همکاری ارتش و سپاه رقم می‌خورد. واقعه‌ای که تلفات قابل توجه انسانی را برای ایران و حتی عراق به دنبال داشت.

اما در مقابل پیشروی نیروهای ایرانی، دشمن به هر ترفندی که می‌توانست دست زد تا بتواند مقاومت کند. خیلی از بازماندگان این واقعه از صحنه‌های دلخراش و تاکتیک‌های غیراخلاقی دشمن گفته‌اند. موضوعی که حتی شاید از سوی جبهه‌های مخالف انکار شده است اما آنچه که چشمان شریف هزاران جانباز و آزاده دیده است، قابل انکار نیست.

از جلسه توجیهی باکری تا جنگ تن به تن

ذکریا شکری، نامی که یک سال پس از اسارتش از سوی صلیب سرخ جهانی خوانده شد. مادرش برای مراسم سالگرد شهادتش آماده می‌شد و همه اهل خانه باور کرده بودند که شهید شده است. مگر می‌شود یک سال یعنی ۳۶۵ روز از یک انسان آن هم در همین حوالی خبری نباشد و چه قساوتی است که مادری را بی خبر بگذاری و نداند که باید منتظر پیکر فرزندش باشد یا اینکه روی دو پایش دوباره به خانه قدم خواهد گذاشت.

ذکریا در ۱۷ سالگی به جنگی ملحق می‌شود که امروز وقتی از آن یاد می‌کند می‌گوید، دشمن، دشمن بود. شوخی نداشت و اینکه هورالعظیم پیکرهای بسیاری از سربازان ایرانی را در آغوش کشید هیچ کس نمی‌تواند منکر آن باشد.

عملیات خیبر به تعبیر این آزاده با هدف فشار بر دشمن و عقب راندن آن و رسیدن به شرق بصره انجام می‌شد. قرار بود با رسیدن به شرق بصره دشمن از سرکشی و تجاوز به خاک ایران دست بکشد. عملیات سختی بود و ایران توانست قدرت خود را با وجود کمبود امکانات نظامی نشان دهد و جزایر مجنون را به دست گیرد.

در عملیات خیبر از نیروهای مسلح ایران، ۹ لشکر پیاده و ۶ تیپ مستقل پیاده و نیز ۲ لشکر زرهی و ۳ تیپ مستقل زرهی حضور داشتند و در مجموع ۲۸ گردان از ارتش ایران و ۲۴ گردان مانوری از سپاه پاسداران، در مقابل ۴۳ گردان پیاده، ۱۱ گردان تانک و ۷ گردان مکانیزه از ارتش عراق قرار داشتند.

تنها تصور چنین جنگی نشان می‌دهد که سربازان و رزمندگان ایرانی تنها با تکیه بر آرمان و اعتقاد خود و برای دفاع جانانه از خاکشان روانه میدان شدند.

اما جنگ شوخی بردار نیست. شکری می‌گوید می‌دانستیم که جنگ سختی است اما حمید باکری جانشین فرمانده لشکر ۳۱ عاشورا شب قبل از عملیات جلسه‌ای توجیهی برگزار و سختی عملیات را تشریح کرد.

حمید به بچه‌ها گفت هر کسی فرزندی در راه دارد یا خانواده اش چشم انتظارش هستند یا می‌خواهد دخترش را روانه خانه بخت کند و برای پسرش تشکیل خانواده بدهد می‌تواند برود.

شکری به یاد دارد که بعد از این اظهارات همه گریستند. حتی یک نفر راضی به بازگشت نشد. رزمنده‌ها می‌گفتند اگر قرار بوده خانه و خانواده را ترک نکنند که از ابتدا نمی‌آمدند.

عملیات آغاز می‌شود و گروهی با قایق و در ادامه گروهی از رزمندگان با بالگرد وارد منطقه می‌شوند. عملیات سخت نظامی که با حيله‌های جنگی دشمن مرتباً تلفات قابل توجهی را به باور می‌آورد. تا حدی که آزاده اردبیلی به یاد دارد جنگ به مرحله نبرد تن به تن با سربازان رسیده بود. هر دو طرف اسیر گرفته بودند و حالا به حدی که سربازان دشمن نزدیک شده بودیم که تن به تن می‌جنگیدیم.

بیشتر بخوانید؛

دشمنان بدانند آسمان ایران برای آنها دست نیافتنی است/ ۵۰ درصد از سامانه های مورد بهره برداری داخلی تولید یک سال اخیر است

تهیه ۳۰ مستند با موضوع شهدا در بروجرد

خیمه‌های خوشه‌ای در مقابل ژسه

آزاده اردبیلی خوب به یاد دارد که دشمن در مقابل ایستادگی رزمندگان به ترفند سلاح شیمیایی دست زد. می‌گوید با سلاح شیمیایی بچه‌ها به جزیره بازگشتند و گرنه شکست صدام حتمی بود و جنگ خاتمه می‌یافت.

تمامی هورالعظیم به پیکر سربازانی که با کمترین امکانات برای دفاع از خاک خود همت کرده‌اند، گلگون می‌شود. دشمن آنقدر خباثت دارد که جریان برق را به آب متصل کرده و قایق سواران بسیاری به همین شکل جان خود را از دست می‌دهند.

آزاده اردبیلی می‌گوید دشمن از خیمه‌های خوشه‌ای استفاده می‌کرد. ترکش‌ها در هوا منفجر می‌شد و روی سر و تنمان فرود می‌آمد. سنگرهای ویژه نیاز داشتیم اما هیچ چیز در اختیار نبود. منطقه کویری بود و ما در مقابل تجهیزات قابل توجه دشمن با ژسه و خیمه‌های ۶۰ و ام یک مقابله می‌کردیم.

شکری جنگ را نمی‌پسندد می‌گوید هیچ رزمنده‌ای اعتقاد به جنگ ندارد اما واقعیت این است که به خاک ما تجاوز شد و ما باید دفاع می‌کردیم. امام حسین (ع) اگر آزار نمی‌دید مکه را ترک نمی‌کرد اما حتی وقتی به قصد کوچ عازم نجف شد، در میانه راه مانعش شدند و مجبور به جنگ کردند.

شکری خود را شاگرد مکتب عاشورا می‌داند و معتقد است زمانی که دشمن جنگ افروزی می‌کند چاره‌ای جز دفاع نداریم.

خود را برای اسارت ۳۰ ساله آماده کردیم

در ۱۷ سالگی اسارت شکری آغاز می‌شود اما ۷۸ ماه به طول می‌انجامد. یک سال بعد که صلیب سرخ جهانی نامش را در لیست اسرا قرار می‌دهد تازه خانواده‌اش متوجه می‌شوند که زنده است.

خیلی از رزمندگان به دلیل سلاح‌های شیمیایی جنگ تا مدت‌ها عوارض آن را متحمل می‌شوند و برخی همچنان نشانه‌های خباثت دشمن را در سینه‌های خود به یادگار دارند.

اما دشمن با اسرا چه کرد؟ شکری می‌گوید در خودرو که باز شد ما اجساد اسرا را دیدیم. ترسیده بودیم اسرا را تیرباران می‌کردند.

می‌گوید حتی اگر مسلمان هم بودند عجم برای آن‌ها دشمن تعریف شده بود. اگر برخی افسران بلندپایه ممانعت نمی‌کردند، تیرباران اسرا دامن ما را هم می‌گرفت.

دوران اسارت برای شکری و خیلی از آزاده‌ها درس صبوری و بردباری بوده است. در وضعیتی که نماز جماعت، کلاس‌های ترویجی و عقیدتی و حتی داشتن عکس امام راحل ممنوع بود، اسرا خود را برای اسارتی ۳۰ ساله آماده می‌کنند.

هر گروهی فرماندهی تعیین می‌کند و بعد از شناسایی و شکنجه فرمانده، باز فرد دیگری از بین خودشان به عنوان فرمانده انتخاب می‌کنند.

شکری به یاد دارد که این اقدام خشم افسران را برانگیخته بود. می‌گفتند شما اینجا را مثل ایران کرده‌اید و دست بردار نیستید.

آزاده اردبیلی به یاد دارد که افسران با کشف عکس امام که پنهانی به دست اسرا رسیده بود بهت زده شده بودند و نمی‌توانستند ایمان و اعتقاد اسرا را در هم بشکنند.

شکری، بازمانده جنگی تن به تن که هم‌زمان بسیاری را با چشم خود گلگون در خاک دیده امروز از رفتار برخی مسئولان گله مند است.

می‌گوید ما با شرافت و ایمان و اعتقاد جنگیدیم و گرنه در مقابل تجهیزات نظامی دشمن نمی‌توانستیم کاری از پیش ببریم. امروز اما برخی مسئولان مردمی نیستند. ایران اقتدار خود در بخش‌های نظامی و پزشکی و علمی را به اثبات رسانده اما برخی مسئولان رفتار جهادی ندارند و نمی‌گذارند این قابلیت‌ها به شکل مطلوبی دیده شود و ثمرات آن را مردم لمس کنند. می‌گوید بسیج یعنی کار برای مردم. یعنی هدایت صحیح برای دست‌یابی به موفقیتی که دشمن نمی‌خواهد. مردم در جنگ بسیجی وار ایستادند. امروز مسئولان باید این مسیر را در ارکان مختلف پیش ببرند.

در ۸ سال دفاع ایران از خاک خود حتی یک وجب از کشور به دست دشمن نیفتاده است. پیروزی که شهدای بسیاری را در تاریخ این کشور ثبت کرد. امروز آیا آنطور که شایسته است پیرو این آرمان متعالی هستیم؟

منبع: تسنیم